فصلنامه توسعه اجتماعی (توسعه انسانی سابق)، دوره ۱۹، شماره ۳، بهار ۱۴۰۴، صفحات ۵۲-۲۹

بازنمایی مدرنیزاسیون در رمان «بره گمشده راعی» از هوشنگ گلشیری

عبدالرضا امانی‌فر[۱]، دکتر حبیب احمدی[۲]
دکتر محمدتقی ایمان[۳]، دکتر مرتضی خسرونژاد[۴]

تاریخ وصول: ۱۴۰۳/۴/۲۲ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۱۱/۲۱

چکیده:

در این مقاله، رمان «بره گمشده راعی» به مثابه یک برساخت اجتماعی در نظر گرفته می‌شود. بر اساس رویکرد برساختی ـ تفسیری، رمان یک خلق هنری است که از طریق آن محیط اجتماعی درک می‌شود و معنا می‌یابد. بنابراین، این مقاله در جستجوی کشف معناهایی است که از طریق رمان «بره گمشده راعی» به شرایط اجتماعی دوران خود الصاق شده‌اند. در واقع، این ساخت معنادار بازتاب فهمی است که نویسنده در اثرش از تحولات اجتماعی دوران خود داشته است. این رمان در سال ۱۳۵۶ چاپ شد، ولی روایت این رمان مربوط به سال ۱۳۴۸ است. با توجه به هدف این مقاله ـ مطالعه پدیده مدرنیزاسیون در رمان «بره گمشده راعی» ـ از روش‌شناسی پدیدارشناسی هرمونوتیک استفاده شده است. تحلیل رمان «بره گمشده راعی» نشان‌دهنده «نابسامانی زیست‌فردی و اجتماعی» در دوره تالیف این کتاب است. مهم‌ترین مؤلفه‌های این نابسامانی را می‌توان گسیختگی روانی، ناکارآمدی اداری، گسست‌های هویتی و به هم ریختگی نقش‌های اجتماعی دانست.

مفاهیم کلیدی: *مدرنیزاسیون، برساخت، پدیدارشناسی، هرمنوتیک، نابسامانی*

---

[۱] دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی دانشگاه شیراز، شیراز، ایران rezaamanifar.a@gmail.com
[۲] استاد گروه جامعه‌شناسی دانشگاه شیراز، شیراز، ایران (نویسنده مسئول) ahmadi@rose.shirazu.ac.ir
[۳] استاد گروه جامعه‌شناسی دانشگاه شیراز، شیراز، ایران iman@shirazu.ac.ir
[۴] استادیار گروه جامعه‌شناسی دانشگاه شیراز، شیراز، ایران mkhosronejad@rose.shirazu.ac.ir

مقدمه و بیان مسأله

مدرنیزاسیون به مدلی از گذار از جوامع «پیشامدرن» یا «سنتی» به جوامع «مدرن» اشاره دارد. در دهه‌های ۵۰ و ۶۰ میلادی بسیاری از دولت‌های کشورهای در حال توسعه، این ایده را دنبال می‌کردند که راه ترقی و پیشرفت کشورهایشان از طریق ورود و اقتباس عناصر مدرن از کشورهای توسعه‌یافته و جایگزینی این عناصر با عناصر سنتی جوامع خود می‌گذرد.

همین تلقی از پیشرفت، از تحولاتی که منجر به انقلاب مشروطه شد، در ذهن برخی از اندیشمندان آن دوران وجود داشت و در دوران پهلوی پدر و پسر شدت بیشتری گرفت. دوران محمدرضا شاه اوج پیگیری این ایده بود. در این دوران به همراه ورود فن‌آوری‌های مدرن، عناصر فرهنگی جدیدی نیز در ایران اهمیت یافتند، عناصر فرهنگی سنتی به تدریج اهمیت خود را از دست دادند و بافت اجتماعی ایران دستخوش تحولاتی گسترده شد. در واقع، در این فرآیند که ما در این تحقیق به عنوان «فرآیند مدرنیزاسیون» یاد می‌کنیم، جامعه ما با سبک جدیدی از زندگی آشنا شد که برخی از صاحب‌نظران آن را «مدرنیته ایرانی» تلقی می‌کنند (*Mirsepsi, 2022*).

به همین مناسبت، ما در این تحقیق از تفاوت‌های مفاهیم «مدرنیزاسیون» و «مدرنیته» چشم‌پوشی کرده و این دو مفهوم را هم‌ارز هم محسوب می‌کنیم. البته این واقعیت را از نظر دور نمی‌داریم که «مدرنیته» در کشور ما ویژگی‌های منحصر به فردی یافته است که احتمالاً با خاستگاه‌های تاریخی آن و همچنین با ویژگی‌های این پدیده در جوامع دیگر چندان منطبق نیست. در واقع، مدرنیته را می‌توان جریانی اجتماعی دانست که در بازه‌ای از زمان ظهور کرده و در نقاط گوناگون جهان سرنوشت‌های بعضاً متنوعی را پیموده است.

این پدیده اجتماعی و تاریخی در لایه‌های مختلف جامعه‌ی ایرانی ظهور و بروزهای گاه متفاوتی داشته است و گستره حضور آن را در ابعاد مختلف می‌توان جستجو کرد. این مساله، صاحب‌نظران حوزه‌های مختلف اجتماعی را به نقد، تحلیل و توصیف این پدیده ترغیب کرده و ادبیات گسترده‌ای را به وجود آورده است. در حوزه ادبیات نیز کتب، مقالات و تحلیل‌های زیادی در مورد حضور و بروز «پدیده‌ی مدرنیته» در شاخه‌های مختلف ادبی مانند رمان، شعر، داستان کوتاه و ... نوشته شده‌اند.

در اکثر این آثار سعی شده است که تأثیر شرایط اجتماعی بر تولید فضا، شکل‌گیری شخصیت و یا حضور عناصر مدرن در آثار ادبی مورد بررسی قرار گیرند. در برخی از این تحقیقات نیز تضاد و تقابل عناصر مدرن و ماقبل مدرن ـ سنت ـ مورد توجه قرار گرفته‌اند. به همین دلیل در این‌گونه از پژوهش‌ها، به‌طور عام از نظریه‌های جامعه‌شناسی یا ادبی برای

استخراج شاخص‌های مورد بررسی استفاده و سپس این شاخص‌ها در متن‌های ادبی جستجو شده‌اند.

در این مقاله، رمان[1] ـ به‌عنوان یکی از گونه‌های ادبی مدرن ـ به مثابه یک برساخت اجتماعی در نظر گرفته می‌شود. در رویکرد برساختی ـ تفسیری[2] «واقعیت، مستقل از ذهن بشر به‌عنوان موجودی مستقل وجود دارد، اما معنی و معرفت نسبت به آن همواره ساخته انسان است» (*Yousefian & et. al., 2010:130*).

در دیکشنری وبستر، برساخت به‌عنوان «کنش یا نتیجه‌ی شکل‌دهی، تفسیر و توضیح» (*Webster, 2002:248*) تعریف شده است. در واقع، برساخت اجتماعی فرایندی است که معانی ذهنی کنشگران از طریق تعامل اجتماعی مستمر با سایر بازیگران اجتماعی تولید، بازتولید، تفسیر و گاه دگرگون می‌شود.

با این نگاه، هدف ما در این تحقیق مطالعه پدیده مدرنیته در رمان «بره گمشده راعی» است که از طریق آن این پدیده اجتماعی خلق و معنادار شده است. در واقع، این ساخت معنادار بازتاب فهمی است که نویسنده در اثر خود از مدرنیته داشته است[3].

الگوهای نظری

محققان کیفی برخورداری از یک چارچوب نظری از پیش تعیین‌شده را برای تحقیق مضر می‌دانند. آنان معتقدند که این امر ممکن است محقق را بسیار محدود کند. «رویکرد کیفی تحقیق مبتنی بر فرآیندی است که طرح و آزمون نظریه، همراه با فرآیند گردآوری اطلاعات انجام می‌شود. در این فرآیند، به جای آزمون نظریه، اقدام به نظریه‌سازی می‌شود» (*Iman, 2012:177*).

با این مقدمه، در ادامه مفاهیم نظری و مبانی مفهومی مربوط به پدیده اجتماعی که در این تحقیق از آن به‌عنوان «مدرنیته» یاد شده است، مرور می‌شود.

در مورد مفهوم «مدرنیته» تعاریف بسیار زیاد و گاه متناقضی وجود دارد. بابک احمدی در کتاب «معمای مدرنیته» تعاریف متعدد و فراوان مدرنیته را در دو دسته کلی قرار می‌دهد. «دسته نخست، مدرنیته را همچون شکل یا ساختار اجتماعی ـ فرهنگی و در نتیجه واقعیت یا

---

[1] novel

[2] constructional-interpretational

۳ ما در این مقاله به این موضوع می‌پردازیم که در رمان بره گمشده راعی شرایط اجتماعی دوران طبع کتاب چگونه بازنمایی شده است و زندگی خصوصی، ایده‌ها، دیدگاه‌ها و باورهای نویسنده مورد توجه ما نیست.

دورانی تاریخی مطرح می‌کند. در حالی که دسته دوم آن را به مثابه حالتی، رویکردی فلسفی یا «جهان‌بینی» تازه‌ای پیش می‌کشد» (*Ahmadi, 2013: 24-25*).

تعریف آنتونی گیدنز و آراء وی، به صورت عمده در مورد «جهان مدرن» در دسته نخست قرار می‌گیرد. گیدنز در کتاب «پیامدهای مدرنیته» می‌نویسد که «مدرنیته به شیوه‌های زندگی یا سازمان اجتماعی مربوط می‌شود که از سده هفدهم به بعد در اروپا پیدایش یافت و به تدریج نفوذی کم و بیش جهانی پیدا کرد» (*Giddens, 2011: 4*).

وجه غالب آراء جامعه‌شناسان کلاسیکی چون کارل مارکس، آگوست کنت، امیل دورکیم، ماکس وبر، فردیناند تونیس، گئورگ زیمل و ... را می‌توان تعابیری از پدیده مدرنیته دانست که در دسته نخست تعاریف و رویکردهایی که به آنها اشاره شد، قرار می‌گیرند.

رویکردهای مربوط به دسته دوم، چنان‌که *Bernstein Richard* به یاری مفهومی از هایدگر مطرح کرده، خبر از یک «حالت» می‌دهند. حالت یا موقعیتی که بر آنچه ما «می‌اندیشیم، عمل و تجربه می‌کنیم» تأثیر می‌گذارد (*Ibid: 22*). بر همین اساس *Chaildes Peter*، مدرنیته را این‌گونه تعریف می‌کند: «مدرنیته نوعی شیوه زیستن و تجربه کردن زندگی به شمار می‌آید که از تحولات صنعتی‌شدن، شهرنشینی و تفکیک حوزه دین از غیر دین ناشی شده است و مشخصاتش عبارتند از فروپاشی و اصلاح‌گری، پراکندگی و تحولات سریع، ناماندگاری و ناامنی؛ و همراه است با ادراک‌های تازه‌ای از زمان و مکان، سرعت، تحرک، ارتباطات، سفر، دینامیسم، آشوب و دگرگونی فرهنگی» (*Chaildes, 2014: 25*).

در مجموع می‌توان چنین نتیجه گرفت که رویکرد اخیر نسبت به مدرنیته، بیشتر با کارکردهایش در تقابل با اشکال پیشینِ شناخت موقعیت آدمی در جهان تکیه می‌کند. چنان‌که برخی به جای تعریف مفهوم مدرنیته به ویژگی‌های آن پرداخته‌اند. به‌عنوان نمونه، حسینعلی نوذری در کتاب «مدرنیته و مدرنیسم» ویژگی‌هایی چون عقل‌گرایی و فایده‌گرایی را برای مدرنیته قایل می‌شود (*Nozari, 2012: 82*). در کتاب «فرهنگ واژه‌ها» از عبدالرسول بیات مهم‌ترین اصول و مؤلفه‌های مدرنیته این‌گونه بیان می‌شوند: «علم‌گرایی یا علم‌زدگی، عقل‌گرایی یا استدلال‌گرایی، پیشرفت‌باوری، مادی‌گرایی، انسان‌گرایی یا اومانیسم، فردگرایی، برابری‌گرایی یا برابری‌طلبی، لیبرالیسم، سنت‌ستیزی، احساس‌گرایی، سکولاریسم و جدایی دین از سیاست» (*Bayat, 2007:529*).

ویژگی‌هایی که کارل مارکس و مارشال برمن برای «جهان مدرن» قایل بودند، در چارچوب همین رویکرد دوم قرار می‌گیرند. مارکس جهان مدرن را این گونه تشبیه کرده بود:

جهانی که در آن «هر چه سخت و استوار است، دود می‌شود و به هوا می‌رود» (*Berman, 2000, 14*). برمن جهان مدرن را این گونه توصیف می‌کرد: «جهانی که به شدت شتاب می‌گیرد و همه را به درون گرداب فروپاشی و تجدید حیات مستمر می‌افکند، گرداب مبارزه و تناقض، ابهام و عذاب» (*Ibid*).

پیشینه پژوهش

الف) تحقیقات داخلی

جعفری (۱۳۹۱)، در پژوهشی با عنوان «بازنمایی فضا و هویت شهری در رمان فارسی: مطالعه موردی آثار «عباس معروفی» رمان‌های «سال بلوا» و «سمفونی مردگان» را با استفاده از روش تحلیل محتوای کیفی بررسی و توصیف کرده است. این تحقیق بر اساس نظریه‌های کوین لینچ و پیر بوردیو انجام شده است. نقش مدرنیته و مدرنیزاسیون در دولت پهلوی، تأثیر مدرنیته در شهرهای ایران به جز پایتخت، هویت‌های فردی، هویت‌های جمعی، شکل شهر، رابطه شهر با سیستم سیاسی و اجتماعی محورهای این پژوهش بوده که برای بررسی این محورها در دو قالب مفاهیم مربوط به شهر؛ یعنی فضا و هویت، رمان‌های نام برده توصیف و تحلیل شده‌اند.

نتایج حاصل از این تحقیق به شرح زیر هستند:

الف) در هر دو داستان، ما هجوم مدرنیته را به شهرهای ایران و شکل‌گیری ساختارهای جدید شهری را می‌توانیم ببینیم؛ هجومی که آشفتگی شهری، تقابل سنت و مدرنیته و عدم کارآیی فضاهای شهری نتیجه آن است.

ب) استفاده از فضاهای قدیمی و سنتی برای کارکردهای جدید شهری و ورود تجدد به ظاهر شهرها سبب پدیدآیی مشکلات درونی و اجتماعی شامل مشکلات خویشاوندی، تربیتی، هویتی و ... می‌شود.

ج) آشفتگی‌های جنسیتی، عدم تعریف و تطبیق جنسیت متناسب با شرایط اجتماعی موجود.

مرتضوی گازار (۱۳۹۰)، پژوهشی با عنوان «بازنمایی فضاهای شهری تهران در رمان‌های دوره «رضا پهلوی» انجام داده است. در این تحقیق، رمان‌های «تهران مخوف» و «یادگار شب» از مشفق کاشانی، «تفریحات شب» از محمد مسعود و «زیبا» نوشته محمد حجازی با استفاده از نظریات لفور و روش تحلیل محتوای کیفی تحلیل شده‌اند. با به‌کارگیری مفاهیم لفوری و مشخص کردن مفاهیم «ریتم»، «تولید فضا»، «ارزش مبادله» و «ارزش مصرف» این

نتیجه حاصل شد که قریب به اتفاق تهرانی‌ها در آن دوره، به تولید و بازتولید فضاهای شهری نپرداخته و صرفاً قشر کوچک تحصیل‌کرده فرنگی‌مآبِ متجدد بوده است که فضاهای شهر تهران در تناقضات مدرنیته را بازتولید کرده‌اند. این در حالی است که حکومت و ایدئولوژی حاکم برای تحکیم قدرت خویش به تولید و بازتولید فضاهای شهری پرداخته است. همچنین، نتایج بررسی «ریتم چرخه‌ای» و «ریتم خطی» نشان می‌دهد که شهر تهران در ابتدای مواجهه جدی با مدرنیزاسیون قرار داشته است.

ب) تحقیقات خارجی

Vasilkova & Chernovskaia (2014) تحقیق با عنوان «ساخت افسانه اجتماعی در ادبیات مدرن عامه (تجزیه و تحلیل روایت رمان زن آمریکایی)» انجام داده‌اند. در این تحقیق، متن ادبی به‌عنوان موضوعی برای تحلیل جامعه‌شناختی در نظر گرفته شده است که پدیده‌ها و فرایندهای اجتماعی و همچنین تجربه اجتماعی گروه اجتماعی خاصی را نمایندگی می‌کند. در این تحقیق، متن ادبی انعکاس ارزش‌ها، هنجارها و نگرش‌های اجتماعی مورد استفاده برای توصیف گروه‌های اجتماعی و فرایندهای اجتماعی است؛ همچنین این تحلیل و توصیف‌ها با استفاده از هرمنوتیک ساختاری، الکساندر انجام شده است که بر این امر دلالت دارد که تحقیقات اجتماعی ـ فرهنگی درباره ساختارهای معنایی ادبیات مدرن عامه نشان می‌دهند که اسطوره‌های اجتماعی و نمونه‌های آرمانی به‌روز شده، به‌عنوان مدل‌های تفسیری برای توضیح و سازمان‌دهی جهان اجتماعی به کار می‌روند.

در این تحقیق ۱۸ رمان زن آمریکایی به روش تحلیل روایت (تحلیل ساختار ـ رویداد ال. دی. گریفین)، رویکرد ساختاری (بارت، پراپ و وان دایک) و تئوری ک. یونگ در مراحل زیر مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته‌اند:

۱- مطالعه دوره زندگی قهرمانان (شرایط تاریخی و اجتماعی).

۲- شرح رویدادهای منتخب با استفاده از روش دستوری (افعال به‌عنوان شاخص‌های عمل).

۳- انتخاب رویدادهای مهم.

۴- تشکیل زنجیره علی رویدادها.

۵- ساختار کلی روایت و تفسیر آن در زمینه اسطوره‌های اجتماعی.

نتیجه طرح‌های روایتی نشان داد که ۳ نوع آرمانی پایه در مورد نقش الگوهای زنانه در اسطوره‌های کیهان‌شناختی وجود دارد و این سه را به‌عنوان الگوهای تفسیری برای توصیف

نقش‌های جنسیتی در جامعه مدرن آمریکا می‌توان در نظر گرفت. نتایج حاصل از این تحقیق را می‌توان در زمینه تئوری‌های فمینیستی و پسافمینیستی تأیید نمود.

Fernanda Patricia (2010) تحقیقی با عنوان «مدرنیته *Nordestiona* در رمان‌های *Freitas*، *Queiroz* و *Lispector* » انجام داده است. در این تحقیق، وجوه مختلف مدرنیته در نوردیستینا ـ ناحیه‌ای از شمال شرقی برزیل ـ در رمان‌های «ملکه ایگنوتو» (۱۸۹۹)، نوشته امیلیلا فریتاس، «پانزده» (۱۹۳۰)، نوشته راشل کیروش و «ستاره زمان» نوشته کلاریس لیسپکتور بررسی شده‌اند. در تصور مردم برزیل ناحیه نوردیستینا به صورت سنتی جایی دانسته می‌شود که در حاشیه مدرنیته، به‌عنوان منطقه‌ای غیر توسعه‌یافته در تقابل با منطقه ثروتمند جنوب شرقی قرار دارد. ساختار این تضاد دوگانه به مدلی اشاره می‌کند که بر اساس آن جهان اجتماعی و فرهنگی را بین مرکز و پیرامون تقسیم می‌کند.

این رمان‌ها به‌صورت خلاقانه‌ای هر کدام به جنبه‌هایی از تأثیرات خارجی توجه می‌کنند و به این طریق روایت‌هایی را با کیفیت ذاتی جامعه برزیل تولید می‌کنند. نتایج این تحقیق نشان می‌دهند که این رمان‌ها در ایجاد یک طبقه روشنفکر ملی معتبر مشارکت می‌کنند. در حالی که، در همان زمان ورود مدرنیته را به جهان سوم ـ به‌ویژه به نوردیستینا و ویژگی‌های خاص آن ـ به پرسش می‌کشند.

سؤالات پژوهش

سؤال کلی

- پدیده مدرنیته چگونه در رمان «بره گمشده راعی» بازنمایی شده است؟

سؤالات جزیی

- نویسنده رمان «بره گمشده راعی» چگونه و به چه طرقی پدیده مدرنیته در دوران خود را به لحاظ ذهنی تجربه کرده و از خلال این تجربه به تفسیر و بازتولید شرایط اجتماعی خود پرداخته است؟

- در رمان «بره گمشده راعی» چه معنا و تفسیری از پدیده مدرنیته و انگاره‌های مربوط به آن در جامعه آن دوران برساخت شده است؟

- چه ابعاد و وجوهی از تاریخ معاصر ایران از طریق کشف معانی و تفاسیری که از پدیده مدرنیته از طریق رمان «بره گمشده راعی» آشکار می‌شود؟

روش‌شناسی پژوهش

روش‌شناسی منتخب برای این مطالعه «پدیدارشناسی هرمنوتیک» است و برای جمع‌آوری اطلاعات از روش تحلیل مضمون استفاده می‌شود. در روش‌شناسی پدیدارشناسانه دو رویکرد عمده وجود دارد. نخست، پدیدارشناسی توصیفی که مأخوذ از آرای هوسرل و پیروان اوست و هدف آن «خلق یک توصیف جامع از پدیده تجربه شده برای دستیابی به ادراک ساختار ذاتی آن است» (*Emami Sigaroudi & et. al., 2012: 58*). رویکرد دوم، پدیدارشناسی تفسیری یا هرمنوتیکی است که به دنبال «ارایه مفهوم تفسیری از درک پدیده (بیش از توصیف آن) است» (*Ibid*).

بر اساس روش‌شناسی منتخب، در این مقاله، برای تجزیه و تحلیل داده‌ها از روش دیکلمن و همکاران که ماهیت گروهی دارد، استفاده می‌شود. استفاده از گروهی از مفسران که با روش و محتوای کار آشنایی دارند، اعتبار یافته‌های تحقیق را افزایش دهد. روش دیکلمن و همکاران یک فرآیند هفت مرحله‌ای مبتنی بر پدیدارشناسی هایدگری است و شامل مراحل زیر است:

۱- خواندن تمامی متون جهت دستیابی به یک درک کلی.

۲- نوشتن خلاصه‌های تفسیری برای هر کدام از متون.

۳- تحلیل گروهی نسخه‌های برگزیده از متون و شناسایی و استخراج مضمون‌ها.

۴- بازگشت و مراجعه مجدد به متن به منظور تبیین، روشن‌سازی و طبقه‌بندی موارد عدم توافق و تناقض موجود در تفاسیر ارائه شده و نوشتن یک تحلیل کلی و ترکیبی از هر متن.

۵- مقایسه و مقابله متون به منظور شناسایی، تعیین و توصیف معانی مشترک و عملکردها.

۶- شناسایی و استخراج الگوهای بنیادین که ارتباط مضمون‌ها را برقرار نموده و آنها را به یکدیگر وصل می‌کند.

۷- ارائه نسخه‌ای پیش‌نویس از مضمون‌ها، همراه گزیده‌هایی منتخب از متن به اعضای گروه مفسر و افرادی که با روش و محتوای کار آشنایی دارند، جهت استخراج و اعمال پاسخ‌ها و پیشنهادهای آنان در نوشتن نسخه نهایی گزارش (*Polit & Beck, 2004*).

یافته‌های پژوهش

بر اساس رویکرد روش‌شناختی که پیش‌تر ارایه شد، ما در این تحقیق رمان «بره گمشده راعی» را یک خلق هنری در نظر می‌گیریم که از طریق آن شرایط اجتماعی، فرهنگی، سیاسی، اقتصادی و ... دهه ۴۰ شمسی برساخت شده است. در واقع، ما در تحقیق حاضر در جستجوی کشف معناهایی هستیم که از طریق رمان «بره گمشده راعی» به تحولات دهه ۴۰ شمسی در ایران الصاق شده است. بنابراین، علاوه بر فهم و تفسیری که رمان «بره گمشده راعی» از آن دوران به دست می‌دهد ـ که ما آن را محصول واقع‌شدگی نویسنده در آن زمان و تجربه زیسته وی می‌دانیم ـ ابعاد و وجوه مختلفی از شرایط اجتماعی و تاریخی آن دوران نیز از طریق کشف معانی و تفاسیری که نویسنده به تحولات آن دوره الصاق کرده است، آشکار می‌شود. با این هدف، ما در ادامه به تشریح مضامین و مقوله‌هایی که طی خوانش چندین باره رمان ـ که بر اساس روش دیکلمن و همکارانش استخراج شده‌اند ـ می‌پردازیم و در پایان شبکه این مضامین و مقوله‌ها را به صورت یک «مدل مفهومی» ارایه خواهیم داد.

در ادامه به توصیف و تفسیر این مضامین و مقوله‌ها به همراه گزیده‌هایی از متن رمان پرداخته می‌شود. این گزیده‌ها ارجاعات متنی می‌باشند که از طریق آنها مضامین استخراج و سپس دسته‌بندی و نام‌گذاری شده‌اند.

گسیختگی روانی

آنچه که در رمان «بره گمشده راعی» به صورت مکرر به چشم می‌خورد، گسیختگی روانی شخصیت‌های داستان است. در واقع، در این رمان تفسیر و معنایی از شرایط موجود برساخت شده است که ما بر اساس رویکرد برساختی ـ تفسیری و روش‌شناسی این تحقیق، آن را در زیر عنوان مقوله «گسیختگی روانی» نام‌گذاری کرده‌ایم. نویسنده این رمان، شرایط اجتماعی سال‌های نگارش رمان خود را به گونه‌ای تجربه، فهم و تفسیر می‌کند که جریان اجتماعی جدیدی در لایه‌های مختلف جامعه رخ داده و یکی از نتایج آن «گسیختگی روانی» افراد جامعه است. این گسیختگی در بخش‌های مختلف کتاب به انحاء مختلف برساخت شده است که در ذیل به مضامین عمده آن اشاره می‌شود:

۱- احساس تنهایی

یکی از مضامین اصلی کتاب که از طریق روش دیکلمن استخراج شده است و ما آن را در سطحی بالاتر ذیل مقوله «گسیختگی روانی» نام‌گذاری کرده‌ایم، مضمون «احساس

تنهایی» است. در واقع، در بخش‌هایی از رمان «بره گمشده راعی»، تحولات جامعه ایرانی در قالب «احساس تنهایی» بازنمایی شده است. به‌عنوان مثال در صفحه ۱۰۷ کتاب، راوی داستان در مورد موقعیت و شرایط خود این‌گونه می‌نویسد:

«این را دیگر فهمیده بود که در ازدحام جمعیت تنها یک جای کوچک از آن اوست. وقتی چهل و چند نفر باشند و اتاق هفت یا هشت قدم، تنها می‌شود بر یک دنده خوابید. خوابیده بود. در صف‌های طولانی ایستگاه‌ها او فقط یکی بود، مهره‌ای از تسبیحی ریخته بر خاک».

۲- سرگشتگی

یکی دیگر از مضامینی که ما از جملات رمان «بره گمشده راعی» استخراج کرده‌ایم، مضمون «سرگشتگی» است. در این رمان، شرایط اجتماعی به گونه‌ای بازنمایی شده که اتفاقات و رویدادهای جامعه ایران سبب ایجاد نوعی سرگشتگی در افراد شده است. این «روح سرگشته» را می‌توان محصول شرایطی دانست که ما در این تحقیق، به تسامح از آن به‌عنوان «مدرنیته» یاد کرده‌ایم. به‌عنوان نمونه در صفحات ۱۲۵ و ۱۲۶ کتاب در وصف حال آقای «وحدت» ـ که زمانی نماد روشنفکری بوده است ـ آمده است که:

«... بعد هم که [اعتیاد را] رها می‌کند و می‌خواهد مثل آدم‌های معمولی زندگی کند، به قول خودش صبح زود بلند شود، چایش را بخورد، نان و پنیرش را؛ صورتش را صفا بدهد؛ پیاده بیاید اداره. اما این هم نمی‌شود. چهار پنج ماه حداکثر یک سال بیشتر نمی‌تواند این کار را بکند. این دور زدن‌هاش فقط نشانه این نیست که ضعیف است بلکه می‌تواند نشانه این هم باشد که این زندگی، روال معمول حیات ما، راضیش نمی‌کند، یعنی توی این زندگی، یا بگیریم زندگی او حداقل، یک چیزی کم است».

۳- جستجوی پناهگاه

مضمون دیگری که ما از جملات و عبارات رمان «بره گمشده راعی» استخراج کرده‌ایم، مضمون «جستجوی پناهگاه» است. در شرایط روانی که می‌توان محصول تحولات جامعه ایرانی ـ از آغاز آشنایی ایرانیان با تمدن غرب و تحولات تالی آن ـ دانست، علاوه بر اینکه افراد احساس تنهایی و سرگشتگی می‌کنند، بلکه این تنهایی و سرگشتگی به انحاء مختلف سبب واکنش آنها می‌شود. افرادی مثل آقای وحدت به تریاک پناه می‌آورند. دیگران به الکل و زنبارگی و ... تمسک می‌جویند. شخصیتی مانند آقای «صلاحی» نیز که به هیچ چیزی اعتقاد

ندارد، در جستجوی پناهگاهی که بتواند احتیاجات روحی‌اش را برآورده کند، به مذهب و اعمال مذهبی روی می‌آورد. در صفحه‌ی ۱۵۹ کتاب آمده است که:

«زن [آقای صلاحی] مذهبی بود، آقای صلاحی هم به خاطر زن سعی کرده مذهبی بشود، شاید احتیاج درونی خودش وادارش کرده نماز بخواند، روزه بگیرد».

۴- سرخوردگی

مضمون دیگری که در رمان «بره کمشده راعی» به بارها تکرار شده است، مضمون «سرخوردگی» است. شخصیت‌های این رمان افرادی هستند که در دهه چهل و پنجاه زندگی خود به‌سر می‌برند. اکثراً در سنین ۲۰ و ۳۰ سالگی خود درگیر مبارزات اجتماعی ـ مانند تحولات بعد از جنگ دوم جهانی و پس از آن به سلطنت رسیدن محمدرضا شاه و در سال‌های بعد مبارزات ملی شدن نفت ـ بوده‌اند ولی پس از کودتای سال ۳۲ و فضای خفقان‌آوری که در دهه ۳۰ و ۴۰ ایجاد شد، از همه چیز سرخورده شده‌اند و اعتقاد خویش را به هر آنچه روزی مایه تلاش و مبارزه‌شان بود، از دست داده‌اند. در بخش‌های پیشین اشاره‌ای به شخصیت آقای رحمت شد. دیگران نیز در همین سرگشتگی و سرخوردگی دست و پا می‌زنند. به‌عنوان مثال در صفحه ۱۵۹ کتاب آمده است:

«آقای صلاحی دبیر نقاشی است ... بچه ندارند. زن مذهبی بود. آقای صلاحی هم به‌خاطر زن سعی کرده مذهبی بشود، شاید هم احتیاج درونی خودش وادارش کرده نماز بخواند، روزه بگیرد. بعد، یک سال پیش، یک شب مست می‌رود پایین و به زنش می‌گوید که اعتقاد ندارد».

۵- احساس غربت

مضمون دیگری که در رمان «بره گمشده راعی» به شرایط اجتماعی و ویژگی‌های فردی الصاق شده است، مضمون «احساس غربت» است. گویا حالات روانی مانند «احساس تنهایی»، «سرگشتگی»، «جستجوی پناهگاه» و «سرخوردگی» مانند حلقه‌های زنجیری عمل می‌کنند که هر کدام باعث تولید و تقویت هم می‌شوند و در رابطه‌ای علت و معلولی با هم قرار می‌گیرند. «احساس غربت» یا به قول «دیوید رایزمن» ـ جامعه‌شناس آمریکایی ـ «انبوه تنها» یکی از عوارض جوامع مدرن است. این مسأله در جامعه ایرانی نیز در دوره‌های مختلفِ مواجهه ما با «پدیده مدرنیته» به اشکال و انحاء متفاوت خود را نشان داده است.

در رمان «بره گمشده راعی» این مضمون در جملات مختلفی عنوان شده است. به‌عنوان نمونه در صفحه ۹۹ کتاب راوی داستان این‌گونه بیان می‌کند:

«... انگار که خواب دیده باشد، همان که دیده بود یکی دو سال پیش. کوچه‌ها را نمی‌شناخت. از کوچه باغ‌هایی هم گذشت. یک دو تا هم هم‌پایش بودند و بعد انگار فقط خودش بود، و کوچه‌ها پیچ می‌خورد، به دو راهی یا گاهی سه‌راهی، چهار سوقی می‌رسید، همچنان ناآشنا؛ و از جایی صدایی می‌آمد، از گردی که در هوا بود فکر کرد دارند خراب می‌کنند، می‌کردند. دید؛ بولدوزری داشت دیواری را فرو می‌ریخت، اما باز هم بود. صدای ریزش از پشت سر هم می‌آمد و بعد انگار که همه پی‌ها، ستون‌ها را بر مردابی کار گذاشته باشند، همه چیز فرو می‌رفت. یا می‌ریخت. و بعد دیگر شب بود، هلال باریک ماه جایی میان آسمان بود. پرسیده بود، از کسی: پس کجاست، خانه من کجاست؟

اول فکر کرده بود که به اشاره سر انگشت دارد ماه را نشان می‌دهد. نه، کوهی را نشان می‌داد، سیاهی را که تا ماه ادامه داشت. گفت: پشت آنجاست».

۶- عزلت‌گزینی

«عزلت‌گزینی» مضمون دیگری است که در عبارات مختلف کتاب به آن اشاره شده است. بر اساس استدلال ما در این مقاله، مجموعه مضامینی که ما مقوله «گسیختگی روانی» شخصیت‌های رمان «بره گمشده راعی» را از آنها نتیجه گرفته‌ایم، همگی نمایان‌گر شرایط اجتماعی دوره طبع رمان «بره گمشده راعی» است. ولی همه این مضامین نیز ارتباط متقابلی با هم دارند. با این استدلال، «عزلت‌گزینی» نیز می‌تواند نمایان‌گر شرایط اجتماعی باشد که در آن افراد «احساس تنهایی» و «سرگشتگی» می‌کنند، در «جستجوی پناهگاهی» هستند که پیدایش نمی‌کنند، از آنچه برایشان اتفاق افتاده است، «سرخورده‌اند» و در جامعه و بین دوستان و خانواده «احساس غربت» می‌کنند، گو اینکه متعلق به جهان دیگری هستند که به حادثه در جهان کنونی پرتاب شده‌اند و هر کاری می‌کنند نمی‌توانند با این جهان جدید هماهنگ شوند و آشتی جویند.

همه این‌ها می‌تواند فرد را به سوی «عزلت‌گزینی» سوق دهد. این ویژگی در اکثر شخصیت‌های رمان «بره گمشده راعی» به چشم می‌خورد. به‌عنوان مثال در صفحه ۹۴ کتاب راوی در وصف ترجیحات خویش می‌نویسد:

«شب خوب‌تر است، به شرطی که چراغی آن نزدیکی‌ها نباشد و یک‌دستی تاریکی را نور هیچ پنجره‌ای نشکند. دیگر خیال آدم راحت است ... در کوچه‌هایی که چراغ ندارند، کنار خیابان‌هایی که چراغش را شکسته‌اند، آدم می‌تواند با فراغ خاطر قدم بزند ... اما وقتی

چراغ‌های خیابان روشن باشد و ماشین‌ها با نور پایین حرکت کنند، سایه‌ها مدام در هم فرو می‌روند، سایه آدم را سایه تیرهای چراغ برق‌ها، درخت‌ها و حتی آدم‌ها می‌پوشانند».

گسست‌های هویتی

در بخش «الگوهای نظری» آمد که مارکس جهان مدرن را جهانی که در آن «هر چه سخت و استوار است، دود می‌شود و به هوا می‌رود» توصیف می‌کرد. مارشال برمن ـ جامعه‌شناس آمریکایی ـ نیز جهان مدرن را جهانی توصیف می‌کرد «که به شدت شتاب می‌گیرد و همه را به درون گرداب فروپاشی و تجدید حیات مستمر می‌افکند، گرداب مبارزه و تناقض، ابهام و عذاب». اگر این دو توصیف را از ویژگی‌های جهان مدرن تلقی کنیم، احتمالاً در باب «هویت» به‌عنوان آنچه که من و ما را از دیگران متمایز می‌کند و بر پایه مرزبندی‌های فردی، گروهی، اجتماعی، مکانی، تاریخی، سنت‌های تاریخی، رسوم و عرف‌ها و عادت‌ها و ... استوار است، باید تجدیدنظر کنیم.

همان‌طور که در مقدمه آمد، پدیده مدرنیته را می‌توان جریانی اجتماعی دانست که در بازه‌ای از زمان ظهور کرده و در نقاط گوناگون جهان سرنوشت‌های بعضاً متنوعی را پیموده است. آنچه به بحث ما ـ در این بخش ـ مربوط است، پیمایش جریان مدرنیته در نقاط مختلف جهان است و اینکه این جریان خط و مرزها را در نوردیده و باعث فروپاشی آنچه سخت و استوار بوده شده است. به واقع، آنچه که به‌عنوان منابع هویتی از آن یاد می‌کنیم ـ که می‌تواند شامل همه مرزبندی‌های تاریخی، اجتماعی، اعتقادی و ... باشد ـ در جریان مدرنیته دستخوش تغییر و تحول و چالش شده‌اند.

در رمان «بره گمشده راعی» این چالش و گسست با مضامین مختلفی بازنمایی شده است که ما دو مضمون اصلی «چالش‌های اعتقادی» و «سرکوب هویت تاریخی» را از عبارات و جملات آن استخراج کرده‌ایم.

۱- تخریب هویت تاریخی

«تخریب هویت تاریخی» یکی از مضامینی است که در رمان «بره گمشده راعی» برساخت شده است. در این رمان، عبارات متعددی وجود دارد که نشان می‌دهند، هویت تاریخی جامعه ایرانی ـ به‌عنوان یکی از منابع مهم هویتی ـ در حال تخریب و از بین رفتن

است. یکی از عناصر این شکل از هویت، معماری ایرانی است. قطعاً هر جامعه‌ای با توجه به عقاید، سنت‌ها، آداب و رسوم، شرایط محیطی و اقلیمی و آب و هوایی دست به ساخت ابنیه‌های مختلف می‌زند و کم و کیف منازل مسکونی، باغ‌ها، مراکز تفریحی، مراکز مذهبی و ... تحت تأثیر و متناسب با این عواملند.

بازارها نیز از این قاعده مستثنی نیستند و بخش مهمی از یک مجموعه فرهنگی و هویتی را تشکیل می‌دهند. ولی باید اذعان کرد که یکی از وجوه غالب «مدرنیزاسیون» و «مدرنیته» شکل‌گیری اقتصاد جهانی و از بین رفتن اقتصادهای محلی و ملی است. این اقتصاد جدید داد و ستدها، مراودات، قوانین و حتی روابط اجتماعی خاص خودش را دارد. به طوری که ماکس وبر در تحلیل رابطه افکار و عقاید و دین با سرمایه‌داری، به روح سرمایه‌داری اشاره می‌کند. در واقع، وی قایل به این نکته است که نظام‌های اقتصادی خاص، «روح» ویژه خود را می‌پرورانند.

با این استدلال، بناهای بازارهای ما نیز که بر اساس روح نظام اقتصادی پیشین ـ اقتصاد محلی و ملی ـ ساخته شده بودند، با روح نظام اقتصادی جدید ـ اقتصاد جهانی ـ تناسب نداشتند و جریان مدرنیزاسیون بناهای جدیدی را جایگزین کرد. به این ترتیب، بناهای قدیمی که بخشی از نماد هویت تاریخی ما بود، دستخوش تغییر و تخریب قرار گرفت. این موضوع در رمان «بره گمشده راعی» مورد توجه قرار گرفته است. به‌عنوان نمونه در صفحه ۹۵ آمده است:

«خراب شده بود. داشت می‌شد. بازارهایی دیده بود که طاقش را برداشته بودند، سی، چهل سال پیش یا حتی پیشتر، و به جایش از شیشه و تیرآهن و ورقه‌های فلزی توری ساخته بودند. دیده بود که بولدوزری ایوان خانه‌ای را فرو می‌ریخت و حوض خانه را از خشت و آجر و سنگ و خرده‌شیشه‌های پنجره‌های خورشیدی پر کرد».

۲- چالش‌های اعتقادی

«چالش‌های اعتقادی» یکی دیگر از مضامینی است که در رمان «بره گمشده راعی» به شرایط اجتماعی دوران طبع این کتاب الصاق شده است. «نظام اعتقادی» هر جامعه، مجموعه‌ای به هم پیوسته از عناصر فرهنگی است که می‌تواند به پرسش‌های بنیادین افراد جامعه در مورد مسایل هستی‌شناختی، معرفت‌شناختی، انسان‌شناختی و ... پاسخ دهد. قطعاً

این پاسخ‌ها به نوع و چگونگی روابط اجتماعی، آداب و رسوم، قواعد جمعی و دیگر ابعاد زندگی مردم جامعه شکل می‌دهند.

پدیده مدرنیته به‌عنوان یک جریان جهانی که توانسته است مرزهای مختلف هویتی را به چالش بکشد، نظام اعتقادی جامعه ایرانی را نیز به چالش کشید. در رمان «بره گمشده راعی» عبارات زیادی وجود دارد که نشان‌دهنده این وضعیت است. به‌عنوان مثال در صفحه ۷۲ کتاب آقای صلاحی می‌گوید:

«حالا دیگر ماییم، درست همان‌طور که در قصه هبوط آدم آمده است بر این خاک، اینجا. فقط تا همین جای قصه‌شان را می‌شود باور کرد می‌ماند بقیه، آن آداب و آن ساختمان اعتقادیشان، آسمان هفت طبقه‌شان، و اینکه برتر از ملک قهر کون و فسادی نیست، خوب، همه چیزش به هم ریخته است، نه طاقی برایش مانده و نه ایوانی، یا اگر خیلی عزیزش بداریم یک ساختمان قدیمی است، در خور موزه‌ها. هیچ‌کس، امروز دیگر، توی یک اثر باستانی زندگی نمی‌کند».

ناکارامدی نظام اداری

جریان تخصصی شدن بخش‌های مختلف اجتماعی و همچنین پیچیدگی جوامع امروزین سبب شد که سازمان‌های قاعده‌مندی برای مدیریت امور به وجود آیند. چنان‌که ماکس وبر از «دیوانسالاری» به‌عنوان یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های جوامع مدرن یاد می‌کرد. در واقع، در جهان مدرن برای حل و فصل امور و ارایه خدمات و همچنین برای تولید کالا و خدمات، نظام‌های مختلفی طراحی شد و بار «توسعه» و «پیشرفت» جامعه بر دوش این نظام گذاشته شد. به‌طوری که نظام اداری کارآمد مترادف با توسعه‌یافتگی قرار گرفت.

در ایران نیز به منظور «توسعه» و «مدرنیزاسیون» کشور نهادها و نظام‌های اداری متعددی از اواخر دوره قاجار شکل گرفتند و به تدریج گسترش یافتند. ویژگی‌های این نظام‌های اداری در دوره‌های مختلف ـ تا حدود زیادی ـ نشان‌دهنده خصلت «مدرنیته ایرانی» بوده‌اند.

در رمان «بره گمشده راعی» تفسیر و معنایی از شرایط موجود نظام اداری برساخت شده است که ما آن را ذیل عنوان مقوله «ناکارآمدی نظام اداری» نام‌گذاری کرده‌ایم. ما با خوانش چندباره متن این رمان از عباراتی که معانی ویژه‌ای در ارتباط با نظام ادرای آن دوران نسبت

داده شده، مضامین «ضعف عملکردی نظام اداری» و «احساس بیهودگی در نظام اداری» را استخراج کرده‌ایم.

۱- ضعف عملکردی نظام اداری

همان‌طور که در بند بالا اشاره شد، در جهان مدرن برای حل و فصل امور و ارایه خدمات و همچنین برای تولید کالا و خدمات، نظام‌های اداری مختلفی طراحی شده است. این نظام‌های اداری به تعبیر ماکس وبر بر مبنای عقلانیت و کنش‌های عقلانی کار می‌کنند و به تولید کالا و خدمات می‌پردازند. این عقلانیت حکم می‌کند که سازوکار مشخصی به وجود آید که کارکنان این ادارات با توجه به شایستگی و تخصص خود در جایگاه‌های معینی قرار گیرند.

نظام نوین اداری ایران از همان آغاز کار خود با چالش‌های مختلفی روبرو بوده است. یکی از این چالش‌ها ـ که در رمان بره گمشده راعی ـ به آن اشاره شده است، «ضعف عملکردی این نظام» است. در واقع، ما مضمون «ضعف عملکردی نظام اداری» را از عبارات به کار رفته در این رمان استخراج کرده‌ایم. به‌عنوان نمونه، در صفحه ۱۶۸ کتاب از قول آقای وحدت آمده است:

«دیده‌ای این بناها یا نجارها وقتی دارند چیزی می‌سازند فقط یکی دو کلمه با هم حرف می‌زنند، و بعد تمام وقت دست‌هاشان، عضله‌هاشان کار می‌کند: «آن را بده»، «سر این را بگیر». و باز فقط دست و آجر، یا دست و رنده و اره و چکشی که میخی را می‌کوبد. عیب ما این است که چیزی نمی‌سازیم. برای همین هرز می‌رویم، پشت میز نشینی یا کار بی‌ثمر ذله‌مان کرده است».

۲- احساس بیهودگی در نظام اداری

مضمون دیگری که در این مقاله، از جملات و عبارات رمان «بره گمشده راعی» استخراج شده، مضمون «احساس بیهودگی در نظام اداری» است.

یکی از ویژگی‌های نظام اداری ایران از آغاز پیدایشش این بود که کارکنان اداری بابت کاری که در اداره انجام می‌دادند، حقوق دریافت نمی‌کردند، بلکه بر اساس زمانی که در اداره می‌گذراندند، حقوق می‌گرفتند. در واقع، نظام ادرای ایران از همان آغاز ـ و تا کنون ـ بازده و نتیجه‌ای از کارکنان خود طلب نمی‌کرد، بلکه کارکنان اداری را مجبور می‌کرد که ساعات

مشخصی ـ مثلاً ۸ ساعت ـ را در اداره بمانند و همین صرف زمان، ملاکی برای دریافت حقوق بود.

در رمان «بره گمشده راعی» نیز به این موضوع توجه شده است. برای مثال در صفحه ۱۴۷ کتاب از قول آقای وحدت آمده است:

«مثلاً من سال اول و دوم حتی به کارم علاقه‌مند بودم. بعد دیدم که چی. چون نمی‌شد آدم‌ها توی خانه‌شان بنشینند و سهمیه‌شان برسد کار ایجاد کرده‌اند، به جای یکی بیست تا، صد تا. برای همین هم فقط حضور و غیاب مهم است. عصر واقعاً خسته‌ایم. اما نه از کار که از ملال، انگار همه روزهای هفته جمعه باشد».

به‌هم ریختگی نقش‌های اجتماعی

نقش‌های اجتماعی در چارچوب نظام‌های اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و سیاسی هر جامعه تعریف می‌شوند و قطعاً اگر این نظام‌ها دستخوش تغییرات و تحولاتی گردند، نقش‌های اجتماعی نیز به تبع آنها تغییر می‌کنند.

آنچه در فرایند مدرنیته در جهان و نیز در ایران رخ داد، شکل‌گیری نهادهای جدید و گاهی از بین رفتن برخی از نهادهای قدیمی بود. برخی از نهادهای پیشین باقی ماندند ولی یا با توجه به شرایط جدید تحول یافتند یا این که در تضاد و تعارض با نهادهای جدید به حیات خود ادامه دادند. در حالت اخیر، ما با پدیده‌ای با نام تعارض سنت و مدرنیته مواجه می‌شویم.

در همه این حالت‌ها ما شاهد دگرگونی‌هایی در نقش‌های اجتماعی هستیم. در عبارات و جملات به کار برده شده در رمان «بره گمشده راعی» مضامینی استخراج شده‌اند که ما از آنها مقوله «به‌هم ریختگی نقش‌های اجتماعی انتاج کرده‌ایم.

۱- تعارض زندگی خصوصی و اجتماعی

«تعارض زندگی خصوصی و اجتماعی» یکی از مضامینی است که ما از عبارات رمان «بره گمشده راعی» استخراج کرده‌ایم. این تعارض را می‌توان محصول جدایی زندگی خصوصی و اجتماعی در جهان معاصر دانست. پیش از تحولات مربوط به انقلاب صنعتی کار و تولید چندان از حوزه خصوصی و خانوادگی جدا نبودند و اکثر کارها ـ مخصوصاً کارهای کشاورزی ـ بصورت خانوادگی یا خویشاوندی انجام می‌شدند. با انقلاب صنعتی و به وجود آمدن کارخانه‌ها

و پس از آن شکل‌گیری سازمان‌ها و نهادهای اداری به سبک و سیاق کارخانه، روند پیشین تغییر کرد و زندگی خصوصی و خانوادگی از فرایند کار جدا گردید.

آنچه که در رمان «بره گمشده راعی» از شرایط اجتماعی دوران طبع این کتاب برساخت شده است، نمایان‌گر حالت خاصی از این جدا افتادگی زندگی خصوصی و اجتماعی است که ما از آن به‌عنوان «تعارض زندگی خصوصی و اجتماعی» یاد کرده‌ایم. برای مثال در صفحه ۱۴۱ کتاب آمده است:

«... عیب کار این است که تضاد اعمال روز و شب ممکن است آدم را دو شقه کند: از طرفی صبح تا شام به هر قیمتی شده باید برای غار اختصاصی شکاری، لاشه‌ای دست و پا کرد. البته اول با اکراه و بعد ـ یکی دو سال که بگذرد ـ با میل و رغبت؛ از طرف دیگر شب آدم می‌شود پدر نمونه، راستگو می‌شود، جوانمرد، آزاده. اما مگر می‌شود؟ کی می‌تواند ببیند گوشت تنش، یا وصله تنش بی سر و لباس باشد؟ خواسته‌ها هم که حد و حصر ندارد. امروز یک عروسک ضروری است، فردا لباس شب، یک ماه دیگر سفر به خارج. بدیش هم این است که در این جنگ هر روزه اینها از دست و دهان چهره‌هایی ناشناخته ربوده می‌شوند».

۲- ابهام در نقش اجتماعی

«ابهام در نقش اجتماعی» مضمون دیگری است که از عبارات و جملات رمان «بره گمشده راعی» استخراج شده است و آن را می‌توان پیامد تغییرات و اتفاقاتی دانست که در بندهای پیش به آنها اشاره شد. قدر مسلم، در شرایطی که نهادهای اجتماعی و به تبع آنها نقش‌ها دستخوش تغییر و تحول قرار می‌گیرند، روشنی و واضحی این که چگونه باید بین نقش‌های مختلف ـ مخصوصاً نقش‌های سنتی و جدید ـ آشتی ایجاد کرد، از بین می‌رود و این موضوع به مسأله‌ای فردی و اجتماعی تبدیل می‌گردد.

در رمان «بره گمشده راعی» این مسأله به شکلی بیان شده است که ما از آن مضمون «ابهام در نقش اجتماعی» استخراج کرده‌ایم. برای نمونه در صفحه ۲۱ کتاب راوی داستان که معلم مدرسه است، می‌نویسد:

«دست به ساعقه عادت می‌نویسد: «انا عرضنا الامانه علی‌السَّماوات و الارض و الجبال فأبین ان یحملنها و أشفق منها» و بعد وقتی همان دست می‌خواهد بنویسد که: «آسمان بار امانت نتوانست کشید». سعی در اینکه دایره نون را درست بنویسد و یا کشیدگی «ت» فقط

پنج نقطه بشود، یا بیم آنکه حداقل از امانت بگوید مجموعیت پیدا می‌کرد و از میراثی می‌گفت که نسل به نسل به دست گشته بود و حالا در دست‌های گچی او بود، انگار که یک مجری غیبی باشد و تنها با ادای وردی طولانی که بندبندش را ترجیع‌بندی غریب و نامفهومی به هم می‌پیوست، شکل می‌گیرد و در دست‌های لرزان او به صورت می‌رسد».

نتیجه‌گیری

رمان «بره گمشده راعی» در سال ۱۳۵۶ چاپ شد، ولی روایت این رمان مربوط به سال ۱۳۴۸ است. فضای رمان متأثر از فضای اجتماعی سال‌های بعد از کودتای سال ۱۳۳۲ و استبداد آن سال‌هاست. شخصیت‌های اصلی رمان افرادی در سنین بین چهل تا پنجاه سال هستند که در جوانی دوره‌های مبارزه و تلاش سال‌های پیش از مرداد ۱۳۳۲ را تجربه کرده‌اند و اکنون خسته و سرگشته احساس تنهایی می‌کنند و هر کدام به نوعی در جستجوی پناهگاهی است که یافت نمی‌شود یا آنها را تسلی نمی‌دهد. می‌خوارگی، اعتیاد، زنبارگی، قماربازی، خودکشی، بی‌بند و باری و خیانت به همسر و ... در همه جای رمان به چشم می‌خورد.

راوی داستان مردی است مجرد، دبیر دبیرستان و اهل کتاب و قلم و در آپارتمان کوچکی زندگی می‌کند. بعد از ظهر و شب خود را معمولاً به مشروب و سیگار می‌گذراند یا رساله «شیخ بدرالدین» که شخصیتی خیالی و عرفانی است را می‌نویسد. شخصیتی که متعلق به گذشته است و در دنیای جدید امکان حضور و وجودش فراهم نیست. بعضی از شب‌ها نیز در کافه‌ای با دوستان قدیم که شرایط خود وی را دارند به عرق‌خوری و گفت و گوهای مبتذل می‌پردازند. یکی از این دوستان آقای «وحدت» است که زمانی نماد روشنفکری بوده و اکنون معتاد به تریاک است. زمینه مطالعاتی‌اش نیز تغییر کرده و در سرگشتگی و ناامیدی به کتاب‌های مرصادالعباد، فیه ما فیه و مثنوی معنوی و دیگر کتاب‌های تاریخی و عرفانی پناه آورده است. وی با همسرش مشکل دارد و خانواده‌اش از هم پاشیده و در نهایت خودکشی می‌کند.

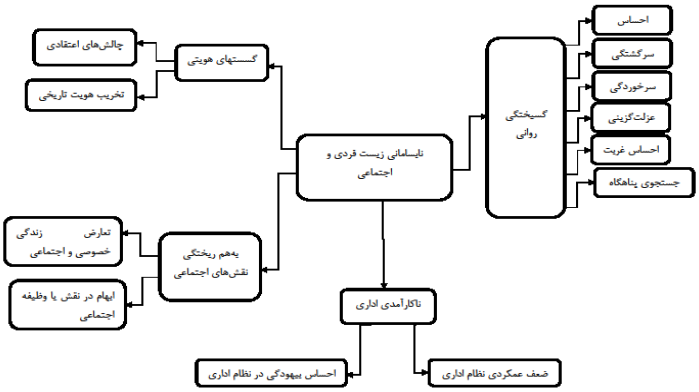
راوی داستان صبح‌ها به مدرسه می‌رود و در آنجا نیز دچار چندپاره‌گی و سردرگمی و پریشانی است و نمی‌داند که به چه ضرورتی و چگونه مفاهیم مورد نظرش را به دانش‌آموزان منتقل کند. در مدرسه با یکی از همکارانش آشنا می‌شود که وی نیز مانند راوی و دوستانش،

دچار مشکلات روحی و سردرگمی و پریشانی است و به خاطر همسرش دیندار شده است و مناسک و عبادات دینی را انجام می‌دهد ولی وی نیز دوام نمی‌آورد و یک شب در حالی که مست است نزد همسرش می‌رود و اعتراف می‌کند که به هیچ‌کدام از این‌ها اعتقاد ندارد.

همان‌طور که پیش‌تر اشاره شد، روایت رمان «بره گمشده راعی» مربوط به سال ۱۳۴۸ یعنی دوره تاریخی خاصی از تحولات کشور ما است. اگر بخواهیم خیلی مختصر و موجز در مورد آن دوره تاریخی توضیح دهیم، می‌توان گفت که جامعه ایرانی در این دوره تحولات گسترده و پر آشوب دهه‌های اول و دوم و سوم ـ مانند اوایل به حکومت رسیدن رضاشاه و مدرنیزاسیون گسترده وی، اتفاقات مربوط به جنگ جهانی دوم و اشغال ایران توسط متفقین و مبارزات مربوط به ملی شدن صنعت نفت ـ را گذارنیده و پس از آن در سال ۱۳۳۲ به درون یک فضای خفقان و اختناق فرو رفته بود. حکومت در دهه ۳۰ سعی کرد باقی‌مانده انتقادات و اعتراضات را کنترل کند و به قلع و قمع مخالفین و حذف آنها اقدام نماید. در واقع، در این دوره حکومت به تثبیت اقتدار خود می‌کوشید و فضای اجتماعی نیز با همه اختناق و خفقانی که اعمال می‌شد، همچنان تب‌آلود بود و در گوشه و کنار انتقادات یا درگیری‌هایی وجود داشت. ولی دهه ۴۰ را می‌توان دهه تثبیت حکومت و اوج برنامه‌های اقتصادی و اجتماعی آن دانست. اصلاحات ارضی، برنامه‌ها و طرح‌های اقتصادی در بخش‌های مختلف صنعت مانند صنایع اتومبیل‌سازی، داروسازی، فرآورده‌های پتروشیمی و ... و مشارکت مستقیم و غیر مستقیم شرکت‌های انحصاری خارجی در اکثر این برنامه‌ها سبب تحولات گسترده‌ای در بخش‌های اجتماعی و فرهنگی شد. در رمان «بره گمشده راعی» بخشی از این فضای اجتماعی و فرهنگی به تصویر کشیده و فهم و تفسیر نویسنده از این فضای اجتماعی برساخت شده است. علاوه بر این، در این رمان پیامدهای روانی مدرنیته و مدرنیزاسیون مورد توجه قرار گرفته است. در واقع، پس از طی چهار دهه از شروع مدرنیزاسیون در ایران ویژگی‌هایی مانند سرخوردگی، گم‌گشتگی، احساس غربت، گوشه‌گیری، یاس و ... به‌عنوان پیامدهای مدرنیته در جامعه ایرانی خود را نشان می‌دهند که در رمان «بره گمشده راعی» ابعادی از آن را می‌توان مشاهده کرد.

در ادامه ما مفاهیم و معانی استخراج شده از رمان «بره گمشده راعی» را به صورت شبکه‌ای از مضامین ارایه خواهیم کرد که طرح‌واره مفهومی این مقاله را نشان می‌دهد. این

طرح‌واره یا الگوی مفهومی، همان چیزی است که ما در مقدمه از آن به‌عنوان «برساخت شرایط اجتماعی» از منظر رمان «بره گمشده راعی» یاد کرده‌ایم.



References:

Ahmadi, B. (2013). The mystery of modernity, Tehran: Markaz publishing. (Persian).

Bayat, A. (2007). Dictionary of words, Qom, Institute of Religious Thought and Culture. (Persian).

Berman, M. (2012). The experience of modernity, Translated by M. Farhadpour, Thehran: Tarh-e Now publishing. (Persian).

Childes, P. (2014). Modernism, Translated by R. Rezaei, Tehran: Mahi publishing. (Persian).

Emami sigaroudi, A. & et. al,. (2012). "Qualitative research methodology: Phenomenologh", Journal of Nursing and Midwifering, Vol. 22, No. 68, 63-66. (Persian).

Eman, M. (2012). Qualitative research methodology, Qom: Research institute of the field and university. (Persian).

Fuentes Muñoz, F. P. (2010). Nordestina Modernity in the Novels of Freitas, Queiroz, and Lispector, Purdue University, Press,Volume 12 Issue 2, Article 8, PP: 1-8.

Giddense, A. (2011). Consequences of modernity, Translated by M. Solasi, Tehran: Mrkaz publishing. (Persian).

Golshiri, H. (1977). Ra'i's Lost Lamb, Tehran: Farous Iran printing. (Persian).

Jafari, M. (2012)." Repesentation of urban space and identity in the Persian novel: A case study of Abbas Maroufi's works", Anthropology and Culture site. (Persian).

Mirsepasi, A. (2022). Areflection of Iranian Modernity, Translated by J. Tavakkolian, Tehran: Sales publication. (Persian).

Mortazavi gazar, S. (2011). "Representation of urban spaces of Tehran in the novels of Reza Pahlavi period", Jounal of sociology of Art and Literature, Vol. 3, No. 1. (Persian).

Nowzari, J. (2012). Modernity and Modernism: Politics, Culture and Sociol theory, Tehran: Nagsh-e Jahan publication. (Persian).

Polit, D.F. & Beck, C.T. (2004). Nursing Research: Phincipleand methods. 7thed. Philadelphia: Lippincott Whlliam and Wilkins.

Vasilkova, V. and Chernovskaia, M. (2014). Constructing Soial Myth in the Modern Mass Literature (the Narrative Analysis of Female American Novel), XVII ISI Word Congress of Sociology.

Webster, Merriam. (2002). Merriam Webster's Collegiate Dictionary, Tehran: Ebteda. (Persian).

Yousefian, N. and Mousavi Karimi, M. (2010). "Epistemic constructivism and social constructionism", Cultural Sociology Journal, Research Institute of Humanities and Cultural Studies, No. 1, 129-143. (Persian).

Representation of Modernization in Ra'i's Lost Lamb (By Houshang Golshiri)

Abdolreza Amanifar[1], *Habib Ahmadi (Ph.D)*[2]
Mohammad Taghi Iman (Ph.D)[3], *Morteza Khosronezhad (Ph.D)*[4]

DOI: 10.22055/QJSD.2025.44533.2858

Abstract:

In this article, Ra'I's Lost Lamb (by Houshang Golshiri) will be considered as a social constact. In Constructional-Interpretational approach a novel is an artistic creation by which the society can be conceptualized and perceived. Accordingly, this article is exploring those meanings which are attached to the social situations through this novel. Indeed, this meaningful structure clearly reflects the author's conception of social developments of his time. This novel was published in 1977, but its narration is related to 1969. Due to the main objective of this article - studying the phenomenon of modernization - the research methodology which has been used is Hermeneutic phenomenological methodology. Analysis of the novel Ra'I's Lost Lamb" represents the individual and social life disorderly that have been experienced by Iranians in the period of this book. The most important components of these mentioned disorders are the psychological rupture, administrative inefficiency, identity breaks and confusion in social roles.

Key Concepts: *Modernization, Construction, Hermenutic, Phenomenology, Disorder*

[1] PhD Student in Sociology, Shiraz University, Shiraz, Iran, rezaamanifar.a@gmail.com
[2] Professor, Department of Sociology, Shiraz University, Shiraz, Iran (Corresponding Author), ahmadi@rose.shirazu.ac.ir
[3] Professor, Department of Sociology, Shiraz University, Shiraz, Iran, iman@shirazu.ac.ir
[4] Assistant Professor, Department of Sociology, Shiraz University, Shiraz, Iran, mkhosronejad@rose.shirazu.ac.ir

© 2019 by the authors. Licensee SCU, Ahvaz, Iran. This article is an open access article distributed under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution-Non Commercial 4.0 International (CC BY-NC 4.0 license) (http://creativecommons.org/licenses/by-nc/4.0/).